

## اردو سیاسی می‌شود؛ آینده افغانستان در دست اردو!



احمد صدیق احمدی

به سخن معروف؛ اگر تصمیم‌گیری دولت‌ها بجای سیاست‌مداران به دست نظامیان قرار گیرد، جغرافیا، مردم و ارزش‌های آن دیگرگون خواهند شد. زیرا نظامیان همواره قضایا را از دیدگاه جنگ و نظامی‌گیر می‌نگرند؛ در حالی‌که در چنین شرایط، سیاست‌مدار با دیپلماسی می‌تواند بسیاری از چالش‌های پیچیده‌ای را که هزینه مالی و جانی زیادی را در پی دارد، به سادگی برطرف سازد. نمونه آن را می‌توان در دیپلماسی امریکا با نظام کمونیستی چین در اوج جنگ سرد به خوبی مشاهده نمود.

علاوه بر آن، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که همواره جنگ آوران و نظامیان تحت فرمان شاهان و فرمانروایان قرار داشته‌اند. امپراتوری‌های روم و فارس و نیز تاریخ هزار و چهارصد ساله اسلام گواه این واقعیت است. در اروپا قبل از رنسانس جنگجویان به عنوان مدافعان شاه و فرمانروایان شان عمل می‌کردند. در رقابت‌های خون‌بار که قبل از جنگ جهانی اول در اروپا بوجود آمد، اروپائیان بیشتر به فکر ساز و برگ نظامی شدند، از این دوره به بعد است که اردو بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

کشورهای اروپایی برای بار نخست اردوهای منظم و تسلیحات نظامی را در ساختار نظامی توسعه داده و هزینه ویژه‌ای را روی این دستگاه سرمایه‌گذاری می‌کنند. در سال 1944م، هتلر زمانی که لندن پایتخت انگلستان را با پرتاب بم افکن‌های مخرب محاصره نمود، جرمن‌ها برای نخستین بار در صدد ساختن موشک‌های مافوق صوت گردیدند که در ظرف شش دقیقه دورادور اروپا را بپیماید. با این رقابت‌های خونین گسترش نظامی‌گری در عرصه کشتی‌های جنگی-زیردریایی، هواپیما، بم افکن‌ها، نیروگاه‌های هسته‌یی و تکنالوژی

نظامی رونق زیاد پیدا کرد که انرژی هسته‌یی، مخابره، بیسیم و اینترنت از ثمرات ضمنی آن به شمار می‌روند، که جهان کنونی را یک سره ماشینی ساخته است. این‌ها را می‌توان نتایج کاوش نظامی‌گری غرب در رقابت با کشورگشایی برشمرد، نه محض تمدن و پیشرفت.

باوجود این همه پیشرفت نظامی‌گری، گسترش تکنالوژی و سیستم‌های پیچیده که قدرت‌های غربی سایر ملت‌ها را مدیون احسان خود می‌دانند، سلاح‌های کیمیاوی و اتمی، کره خاکی ما را ده‌ها بار می‌تواند نابود سازد؛ آنچه که بشریت باربار از این بابت تهدید و قتل عام شده‌اند.

با آن‌که گسترش نظامی‌گری در میان قدرت‌های بزرگ؛ مانند: امریکا، روسیه، انگلستان، فرانسه، آلمان و چین از اهمیت زیادی برخوردار است، با آن‌هم تصمیم‌گیری‌های کلان دولت‌ها در اختیار دستگاه سیاسی قرار دارد. در کشورهای عقب نگهداشته شده به ویژه سرزمین‌های اسلامی وضعیت طوری دیگر است؛ در این کشورها بنا بر دست‌درازی‌های قدرت‌های غربی، در برخی از آن‌ها هرچند سیاست‌مداران همه کاره اند، در بسیاری از آن‌ها قدرت در نزد اردو و نظامیان قرار دارد. به جز از عربستان سعودی، حتا قدرت‌مندترین کشورهای اسلامی؛ مانند: ترکیه، مصر، پاکستان، سوریه و در گذشته نیز در عراق و لیبیا قدرت اصلی در دست اردو و نظامیان قرار دارد.

پس از پایان جنگ جهانی دوم زمانی که زیر عنوان استقلال و آزادی، مرز میان سرزمین‌های اسلامی ترسیم می‌گردد، بسیاری از کشورهای کنونی جهان اسلام در آن زمان متولد می‌شوند؛ غرب و در رأس امریکا برای هر یکی از سرزمین‌های فوق تشکیلات نظامی و اردوسازی می‌نماید. چنان‌که برای بار نخست پس از فروپاشی خلافت عثمانی در ترکیه، مصطفی کمال اتاترک به عنوان جنرال نظامی با حمایت انگلیس‌ها نبض قدرت را متمرکز به اردو می‌سازد؛ از آن زمان تا کودتای نافرجام نظامی ترکیه در سال 2016 نظامیان از قدرت و نفوذ فوق‌العاده‌ای برخوردار بودند.

در سوریه خاندان جنرال حافظ اسد به حمایت کشورهای فرانسه، امریکا و در حال حاضر روسیه تاکنون در قدرت تکیه زده است. در عراق صدام حسین تا آخرین زمان حیاتش از نفوذ انگلستان برخوردار بود، هرچند انگلیس‌ها در سال 2003 برخلاف تضاد منافع با امریکایی‌ها یکجا نابودش کردند، ولی نمی‌توان نفوذ نظامیان در عراق و نیز حمایت انگلیس‌ها از صدام را چشم پوشی کرد. لیبیا در زمان معمر قذافی یکی از جنرالان نظامی، که ظاهراً با حمایت اتحاد شوروی ولی در واقع از حمایت غرب برخوردار بود، قدرت را بدست داشت.

در مصر با کودتای نظامی جنرال نجیب و جمال ناصر در سال 1952م، "ملک فاروق" آخرین دودمان محمد علی پاشا برای همیشه از قدرت کنار زده می‌شود. در آن کشور تاکنون نظامیان با حمایت مستقیم ایالات متحده امریکا از قدرت و نفوذ زیادی برخوردار اند. در همسایگی ما پاکستان، اردو(ارتش) از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. باوجود نقش و اهمیت دستگاه سیاسی در

تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی، آنچه که رسم قدرت‌های بزرگ جهان است؛ چرا در کشورهای مسلمان تصمیم‌گیری‌ها در دست نظامیان و اردو قرار دارد؟

امریکا پس از پیروزی در جنگ جهانی دوم، کشورهایی که جزء مستعمره انگلیس و فرانسه بودند را از طریق نفوذ در اردو مورد حمایت نظامی و سیاسی خود قرار داد. این سیاست هم‌چنان به بهانه کمک‌های نظامی ادامه دارد؛ آنچه که در مصر، ترکیه، پاکستان و... اینک در افغانستان روی دست گرفته شده است.

دکترین سیاسی-نظامی امریکا پی برده‌اند کشورهایی که در آن‌ها نقش اقوام، قبایل و جزایر قدرت‌ها همواره دولت مرکزی را به چالش کشیده‌اند با مرکزی سازی قدرت به ویژه در دست نظامیان و اردو می‌توان به آسانی مهار شان کرد. در چنین وضعیت نظامیان هرگونه حاکمیت بدون میل شان را با توپ و تانگ سرنگون خواهند ساخت. این سیاست بارها در مصر، ترکیه، پاکستان، عراق، سوریه و سایر سرزمین‌های اسلامی اتفاق افتاده است.

در افغانستان اما ایالات متحده امریکا از زمان حضورش تاکنون با گذشت بیشتر از یک‌ونیم دهه هیچ توجه بر تقویت اردوی ملی نداشته است. سیگار یا بازرس ویژه امریکا برای بازسازی افغانستان در گزارش اخیرش چنین نوشته است: «تا ماه اپریل سال 2017م، قوای هوایی افغانستان به رغم پول و آموزش از سوی ایالات متحده، در مجموع 46 هلیکوپتر Mi-17 دارد که 18 بال آن به علت نیاز به تعمیرات اساسی غیر قابل پرواز اند.»<sup>1</sup>

بر اساس گزارش سیگار، اگر از مجموع 46 فروند هلیکوپتر Mi-17 روسی قوای هوایی افغان، 8 فروند آن قابل استفاده نیست. افغانستان با وجود حضور 17 ساله غرب، دارای 28 فروند هلیکوپتر Mi-17 می‌باشد که اردوی عقب مانده‌ترین کشور جهان از چنین یک قوت ناتوان هوایی برخوردار نیست.

امریکایی‌ها پس از حضورشان در افغانستان سنجیده منتظر ماندند تا این که دولتی روی کاری آید که با امضای پیمان نظامی از حضور قانونی نیروهای شان اطمینان حاصل کنند، همان بود که با انتخابات پر از تقلب دولتی را روی کار آوردند که منفور مردم و جهان می‌باشد؛ تا این زمان هیچ‌گاه بر تقویت اردو و قوت‌های هوایی افغانستان توجه صورت نگرفت.

هم‌چنین روزنامه امریکایی Foreign Policy می‌نویسد: «طرح اخیر وزارت خارجه امریکا برای قوای هوایی نوپای افغانستان، خواستار رشد ناوگان کنونی این قوا از 124 بال هواپیما به 259 بال و افزایش تعداد پرسونل آن از 8 هزار نفر به 12 هزار نفر است.»<sup>2</sup> اگر این برنامه تطبیق شود هواپیماهای امریکایی که اکثر آن‌ها UH-60 بلک‌هاک هستند، جایگزین هواپیماهای روسی خواهند شد.

برعلاوه، درین اواخر اشرف غنی رئیس جمهور، حکم بازنشستگی 164 جنرال اردو را امضاء نمود. وی این طرح را به منظور اصلاح امور نظامی و نیز جوان سازی اردو و پولیس ملی افغانستان اعلام کرد. بر اساس این طرح نزدیک بر هفتاد درصد از جنرالان باز نشسته خواهند شد.

طرح عوض نمودن هوپیمایهای امریکایی بجای هوپیمایهای روسی و نیز بازنشسته ساختن جنرالان با تجربه می تواند برنامه ای باشد برای تغییر تجهیزات روسی به تجهیزات امریکایی و نیز تغییر نسل جوان و آموزش دیده امریکا برای آینده سیاسی افغانستان، آن چه که قبلاً در کشورهای ترکیه، مصر و پاکستان ساختار جهنم نظامی گری و پولیسی را ساخته است. این در واقع تداوم همان سیاستی است که زلمی خلیل زاد با کم رنگ ساختن نقش اقوام و حذف رهبران مجاهدین، در کتاب اش از آن یاد کرده است.

امریکا تجربه کافی در این زمینه دارد، از نمونه های آن می توان به پاکستان در همسایگی افغانستان اشاره نمود که با وجود داشتن سلاح هسته یی و قرار گرفتن آن در رده هشتمین قدرت جهان، تاکنون وابسته به کمک های نظامی و اقتصادی امریکا است.

منبع:

-1 [/http://etilaatroz.com/56275](http://etilaatroz.com/56275)

-2 همان منبع